

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز يك شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۱۰ \* ( ۷ شوال ۱۳۰۰ )

## فهرست مذاکرات

- ۱ [ تصویب صورت مجلس
- ۲ [ تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه
- ۳ [ تصویب یک فقره مرخصی
- ۴ [ شور و تصویب لایحه آزادی اسعار خارجی
- ۵ [ موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه نوزدهم بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - آقای حیدری

حیدری - نماینده محترم آقای ملک زاده آملی را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان از مقام منبع ریاست استجازه کرده بودند.

رئیس - مراجعه میکنیم و اصلاح میشود. آقای هزار جریبی.

هزار جریبی - آقای ملک زاده را غائب بی اجازه نوشته اند.

( بعضی از نمایندگان آقای حیدری گفتند )

رئیس - چه فرمودند آقا - بنده ملتفت نشدم

هزار جریبی - آقای ملکزاده را عرض کردم

دشمنی - این قسمت گفته شد.

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟

نمایندگان - خیر

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای وزیر مالیه

فرمایشی دارید بفرمائید

### [ ۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه ]

وزیر مالیه ( آقای تقی زاده ) - بنده دو فقره لایحه

دارم که هر دو را بقید فوریت باید تقدیم کنم یکی از

آنها البته شاید درش بحثی نیست و راجع باعتبار کشتی

ها است که یک قدری کسر آمده و فوری است تقدیم می

\* عین مذاکرات مشروح شصت و نهمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰ )

دایرة نند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه - آقایان : مفتی - میرزا محمد خان وکیل - حبیبی - آصف -

غائبین بی اجازه - آقایان : تیمور تاش - دبستانی - میرزا صادفخان اکبر - آشتیانی - اعظم زنگنه - مصدق جهانشاهی -

ملک زاده آملی - عبدالحمید خان دیبا - ملک آرائی - اقبال - حسین قلی خان نواب - حاج غلامحسین ملک .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دشتی - حاج میرزا حبیب الله امین - اسفندیاری - مرتضی قلیخان بیات - احتشامزاده



کنم که اگر وقت رسید آن هم امیدوارم در ظرف چند دقیقه تصویب شود. یکی دیگر که مرکب از چند ماده است و مهمتر است راجع بمسئله اسعار خارجی است چون اسعار خارجی را که دولت تفتیش درش قرار داد بواسطه این بود که دست های زیادی درش پیدا شده بود و خوف این بود که از مملکت خارج کنند اسعار را و از مملکت هم خارج میگردند و ترتیب هرج و مرجی درش پیدا شده بود دولت اگر تفتیش و نظارت درش برقرار کرد برای این بود (آقایان خوب میدانند) که کسی نمیتواند معامله اسعار بکند مگر بترتیبات مخصوص و بترتیب قانونی و بوسیله بانک ها و همچنین نرخی برای اسعار معین کرد و میزانی قائل شد اما این برای وقتی بود که قانون انحصار تجارت خارجی وجود نداشت و خوف ما بیشتر از این بود که واردات ما بر صادرات غلبه کرده بود و این خلل و رخنه عظیم بمملکت وارد می آورد و اسعار خود بخود بالا میرفت. علاوه بر آنچه که تنزل جنس نقره در بازار خارجه باید تأثیر داشته باشد بمیزان نرخ اسعار خود قانون عرضه و تقاضا و کم بودن اسعار و قاچاق کردن بخارجه از سرحدات بهر طریقیکه اشخاص میتوانستند و هرکس آزاد بود که اسعار را احتکار کند یا خارج کنند بهر تقدیر بعد از برقراری قانون انحصار تجارت تقریباً آن حکمت تا حد معتدبهی ظاهر شد و در همان موقع خاطر دارم خیلی از آقایان اظهار می کردند که وقتی تعادل صادرات و واردات ما باین ترتیب برقرار شد که هرکس از این مملکت چیزی بیرون می برد یا باید معادل آن اسعارش اینجا فروشد که بدهند به آن کسیکه مال وارد میکند یا اینکه خود آن شخص وارد کنند در اینصورت احتیاجی بنظارت و تفتیش اسعار نیست و اگر اسعار متفرقه غیر از منبع صادرات حاصل میشود دیگر لازم نیست آن را مقید کردن. در همان موقع ما مأخذی معین کردیم ولی گفتیم وقتی که قانون انحصار تجارت جریان طبیعی خودش را بگیرد و درست مستقر و برقرار بشود و رخنه های در آزمایش

مسدود بشود چنانچه آقایان مستحضرند که واقفاً در آزمایش بوده است و روز بروز در عمل تکمیل میشود و منافذ و رخنه های مسدود میشود. حالا دولت تصور میکند وقت آن پیدا شده است که اسعاری که از منشأ صادراتی حاصل نمیشود هیچ قیدی قرار ندهد و او را آزاد کند بکلی هم معامله اش را و هم نرخش را و اسعار حاصله از تجارت را هم نرخش را آزاد بگذارد (کازرونی - صحیح است) آقای کازرونی هم در خارج از من میپرسیدند که آن اسعاری هم که از تجارت حاصل میشود آنها هم آزاد است بله آهم نرخش آزاد میشود پس تجار مجبور نخواهند بود که اسعار خودشان را بیک نرخ رسمی وضعی که دولت معین کرده است بفروشند بلکه قانون عرضه و تقاضا وضعیتی مقرر کرده است که نرخ اسعار یا از نرخ رسمی حالا بیشتر می شود یا کمتر و بطور آزاد است و به تجار پول رسمی شان میرسد و قاچاق و بازار نا مشروع قطعاً از بین می رود چیز هائیکه مراقبت پلیس و نظمی را میخواهد از بین می رود دیگر قاچاق نمیشود چون حالا بهر حال قاچاق میشود ولی آنوقت این حق نسا مشروع از بین می رود و همه اش میشود مشروع و تجار هم همه بقیمت و نرخ خودشان می فروشند و اسعاری هم که بغیر از منشأ صادرات تجارتی حاصل میشود در بازار آزاد میشود و مردم هم در زحمت نمی افتند و بدولشان میرسند

### [ ۳ - تصویب يك فقره مرخصی ]

رئیس - قبله از اینکه داخل در این موضوع شویم آقای وثوق از من خواهش میکنند که مرخصی آقای ملک آرائی را قرائت کنیم:

#### خبر مرخصی آقای ملک آرائی

نماینده محترم آقای ملک آرائی بواسطه کسالت شدید و لزوم مسافرت با اروپا برای معالجه تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آن را تقدیم میدارد.

رئیس - مخالفی نیست؟ (خیر) موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد

### [ ۴ - شور و تصویب لایحه آزادی اسعار ]

رئیس - لایحه آزادی اسعار مطرح است  
ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر بدانکه از طرفی بواسطه اصول قانون انحصار تجارت اندیشه اخلال تعادل اقتصادی و صرف عایدات اسعاری مملکت از محل صادرات تجارتی در غیر مایحتاج ضروری مملکتی تا حدی کمتر شده (بعضی از نمایندگان - مقدمه رانمی خواهد قرائت فرمائید) و بواسطه اجرای کامل و تکمیل نقائص قانون مزبور امید است بیم این اختلال مرتفع شود و از طرف دیگر مضیقه افراد از حیث تحصیل اسعار زیاد شده و پس از تخصیص اسعار حاصله از صادرات حاجتی به مقید ساختن اسعار حاصله از منابع دیگر دیده نمی شود لهذا دولت صلاح را در تغییر قانون اسعار مصوب ۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ دانسته و بوسیله لایحه فعلی که بقید دو فوریت تقدیم میشود میخواهد خرید و فروش اسعار نوع اخیر را آزاد نماید

ماده اول - از تاریخ اجرای اینقانون معامله و نرخ اسعار خارجی آزاد است ولی دولت میتواند در موقع ضرورت برای تفتیش و تعیین نرخ اسعار مزبور مقرراتی را که لازم بداند برقرار نماید

ماده دوم - الزامات اسعاری صادر کنندگان بطوری که در ماده ۱۳ متمم قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۲۰ اسفند ۳۰۹ مقرر است کماکان باقی بوده و اسعار حاصله از این طریق را دولت در حساب مخصوص نگاه داشته و در مرحله اول بدارندگان جوازهای ورودی که باعتبار تصدیقنامه های صدور تصدیق شده است و برای تصدیقنامه های مزبور تعهد اسعاری اخذ شده باشد تخصیص خواهد داد

ماده سوم - عملیات ذیل ممنوع است

۱ - احتکار اسعار یا تقوید خارجی

۲ - صدور طلا بهر صورتی که باشد

۳ - وارد کردن نقره خواه بشکل مسکوک خواه به اشکال

دیگر باستثناء اشیاء نقره زرگری شده مگر بر طبق اجازه دولت

۴ - صدور نقره مسکوک یا شمس مگر با اجازه دولت تبصره - هر مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن نقره مسکوک خواهد داشت

ماده چهارم - متخلفین از ماده ۳ و مقرراتی که دولت بموجب ماده ۱ وضع نماید مجرم و شرکاء و معاونین بطور تضامنی معادل دو برابر مبلغی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده بتأدیه جریمه محکوم خواهند شد این امر مانع نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متخلف بمجازات های معین در آن قوانین نیز محکوم گردد تبصره - بکاشفین تخلفات از این قانون سی درصد از جرائم مأخوذه پرداخته خواهد شد

ماده پنجم - قانون تفتیش اسعار مصوب ۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ و قانون متمم آن مصوب ۳۱ تیر ۱۳۰۹ نسخ و این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود

رئیس - فوریت مطرح است. آقای دیبا

روحی - کسی مخالف نیست

دشمنی - بگذارید صحبت بشود

**طبا طبائی دیبا** - بنده با فوریت این لایحه مخالفم زیرا معهود این بود لوایحی که اهمیت داشت دولت آنها را قبل از امیاد در دست و در فراکسیون مذاکره میشد و بعد از مذاکرات زیادی تصمیم گرفته میشد انوقت می آمد در مجلس علنی. آقای وزیر مالیه این لایحه را در یکموقعی بمجلس آوردند که تقریباً وقت جلسه خیلی کم است. اگر چه یکی دو ساعت در اطراف این لایحه مذاکره شد ولی بنده حقیقه در قسمت خودم هنوز متقاعدشدم و قانع نشده ام اگر مقصودی ندارند آقای وزیر مالیه از این لایحه صرف نظر کنند از فوریتش و برود در کمیسیون تا در آنجا درش مذاکره بشود و اگر منظوری هم دارند آن را علناً فرمایند که ما هم بفهمیم و رأی بدهیم والا این لایحه را با قید فوریت بدون اینکه آقایان نمایندگان سابقه داشته باشند بنده مخالفم با فوریتش **وزیر عدلیه ( آقای داور )** - عرض کنم از طرف



نماینده محترم فرمایشاتی شد که بنده انتظار نداشتم چون ما مدتی در این باب در مجلس خصوصی مذاکره کردیم و آقایان هم رأی داده اند در فراکسیون و حالا هم باز البته هر طوری که آقایان رأی بدهند صحیح است  
**رئیس** - آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

**رئیس** - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است مخالفی ندارد موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. مذاکره در کلیات است. آقای دشتی

**دشتی** - (در جای خود) عرض کنم

**رئیس** - آقای دشتی اینجا بنشینیدند نویسان در تکلفند  
**دشتی** - بلند صحبت میکنم

**رئیس** - مع هذا

**دشتی** - (در محل نطق) بنده مخصوصاً از آقای وزیر عدلیه خواهش میکنم که بدانند غرض بنده از صحبت کردن حقیقه حل مسئله است نه اینکه يك سؤال بشود و يك جوابی هم داده شود و متاسفانه این را که بنده عرض می‌کنم برای این است که غالباً سؤال و جواب‌ها اینطوری شده وقتی که بنده خسر این لایحه را شنیدم بادم آمد بیک قصه خیلی مضحکی که گفتند يك اخوند شیعه با يك اخوند سنی در سر خلافت صحبت میکردند اخوند شیعه گفت (ضرب زید عمرو) گفت خوب. ضرب فعل ماضی نیست؟ گفت چرا گفت زید فاعلش نیست؟ گفت چرا. گفت عمرو مفعول نیست؟ گفت چرا گفت پس علی خلیفه بلا فصل است (خنده نمایندگان) بعضی اوقات استدلالانی که دولت در مقابل و کلاء میکند حقیقه همینطور است عرض کنم که ما اساساً با آزادی اسعار مخالف نیستیم ولیکن این جا صحبت هائی که میخواهیم بکنیم برای نظر حلی است که داریم که اینجا مطالب حل شود و آن مؤسسه را که ما در مقابل مردم داریم انجام شود و الا منظور دیگری نداریم عرض کنم لایحه بنظر بنده تقریباً متناقض است یعنی کوسه و ریش بهن است در ماده اول مینویسد که

و ترقی اسعار خارجی نکرد. دولت نرخ را شش تومان معین کرده بود ولی در خارج و در بازار خود مردم و حتی خود دولت هم میدانست که نه تومان و نه شش تومان می‌فروشدند. این خودش نشان میداد که این وسیله بکلی مصنوعی و بی اثر بوده و این بکلی دلخوش‌کننده بوده و بی‌موضوع بوده این يك چیز بسی اساسی بوده و بالاخره بقدر سر سوزنی در این مطلب تأثیر ندارد و بعد از اینکه مطالعه‌تی در این قسمت کردند معلوم شد که عدم تعادل صادرات و واردات در درجه اول مؤثر در تنزل نرخ قران و ترقی اسعار خارجی است آنوقت مبنی بر این قسمت قانون انحصار تجارت را آوردند بمجلس. حالا قانون انحصار تجارت چه میگوید؟ میگوید شما هر قدر که جنس خارج کردید بهمان میزان هم میتوانید جنس وار کنید بهمان اندازه که جواز صدور دارید بهمان اندازه هم بشما جواز ورود داده میشود. در اینصورت قانون کنترل اسعار چه فایده دارد؟ خواهند گفت که تأثیرش این است که ممکن است بعضی اشخاص پولشان را بفرستند بخارجه و در آنجا نگاه دارند بعقیده بنده این يك چیز معقولی نیست که پول خودشان را بفرستند بخارجه و در حقیقت از ثروت مملکت کاسته شود این تئوری و نظر بعقیده بنده غلط است برای اینکه اگر هم فرض کنیم که در تمام مملکت ممکن است در سال یکمده پیدا میشوند که من حیث المجموع ۵۰ لیره صد لیره بخارجه بفرستند برای روز مبادای خودشان نگاه دارند این باعث این نمیشود که توازن صادرات و واردات مملکتی بهم بخورد و ازین برود این يك استثنائی است و الا معمولاً آن اندازه که جنس صادر میشود و بالطبعه تجار صادر میکنند تجار هم وارد میکنند یا اسعارش را بدیگری می‌فروشند که دیگری وارد کنند پس بنابراین اصلاً قانون کنترل اسعار بعقیده بنده لزوم ندارد با قانون انحصار تجارت ما دیگر داعی نداریم که قانون کنترل اسعار را بیاوریم بنا بر این مقدمه بنده عقیده‌ام این است که حالا که دولت متوجه شده است که قانون کنترل اسعار و عرض کنم که این نرخ های مصنوعی

که بانک شاهنشاهی و ملی از برای اسعار (لیره) معین میکند بالاخره تأثیری در زندگانی اقتصادی این مملکت نمینماید و بالاخره خودشان را در مضیقه انداخته اند بطوریکه برای محصلین خودشان هم اسعار خارجی ندارند و حالا این لایحه را بمجلس آورده اند که این نرخ را آزاد بکنند دیگر این قسمت دومش را که حتماً مقید باشند که ببانگ و دولت بفروشند این را بکلی از بین بردارند. عرض کنم بدبختانه ما غالباً خیالی کنیم که مسائل اقتصادی ممکن است که در تحت اختیار و اراده ما در بیاید این اشتباه است. مسائل اقتصادی و تجارتي يك مسائلی است جریان طبیعی و حقیقی دارد و ما بازار را خودمان و بنا وضع کردن قانون و دائماً قانون وضع کردن و دست و پای مردم را مثل مگس که در تار عنکبوت افتاده است انداختن هیچ فایده ندارد. اسعار باید آزاد باشد و چون بموجب قانون تجارت بهیچوجه نمیتوانند اجناس زیاد تر از آنچه صادر میکنند وارد کنند بنا بر این ان تعادل تجارتي که باید آل اقتصادی دولت است تا مینمیشود و دیگر محتاج نیستیم ما به تفتیش اسعار. اسعار باید آزاد باشد. این اسعار که آزاد باشد تابع عرضه و تقاضا میشود اینجا آقای وزیر مالیه در جواب آقای فرشی خیراقتی وزیر عدلیه جواب دادند که اقا وقتی ما نرخ را آزاد کردیم تابع عرضه و تقاضا است ولی با این لایحه دیگر عرضه و تقاضا موجود نیست بموجب این قانون خریدار اسعار خارجه فقط دولت است پس بنا بر این عرضه و تقاضائی موجود نیست. اقا باز جواب دادند که در بازار هم چون آزاد است نرخ آزاد میشود. بنده عرض میکنم شما يك چیز غیر مشروعی را اینجا میتوانید مثل مشروع نگاه کنید شما اینجا بر حسب این قانون و صحبت هایتان يك چیزی را هم مشروع و هم غیر مشروع میدانید. بنده عرض میکنم این پولی که میبرد بازار میخواهد بفروشد این مشروع هست یا نیست؟ اگر مشروع است چرا اینجا قید میکنید که حتماً باید به دولت بفروشد اگر نامشروع است که دیگر عرضه و تقاضائی



نیست مگر اینکه شما بکنجانبید که مسافرینی که از خارجه باین مملکت می آیند یا اینکه قسول ها و نمایندگان خارجی که در این مملکت نماینده میشوند می آیند اینها میتوانند يك قدری اسعار در بازار بفروشند ولی بالاخره نظر دولت نباید باین قسمت پنجاه یا صد هزار لیره یا دوست هزار لیره باشد که در سال وارد مملکت میشود نظر دولت باید روی تجارت باشد و الا اینکه امروز یک نفر آمده است صد هزار لیره آورده است و میخواهد ببردنوی بازار بفروشد این مملکت نیست. بله آقای وزیر عدلیه میفرمایند وقت گذشته است و بنده مختصر کنم بنده هم مختصر میکنم این را خواهش میکنم بما توضیح بدهند که چرا و برای چه نرخ را مطلقاً آزاد نمیکنند؟ برای اینکه وقتی که شما قانون تجارت دارید و معادله صادرات و وارداتتان بوسيله آن تامین میشود. شما دیگر اینجا چرا قید میکنید این قسمت را که حتماً باید بدولت بفروشد. این برای چیست؟ يك نکته دیگر هم آقای بوشهری اصرار میکرد که بنده حالا اینجا عرض میکنم و آن این است که میگفتند بر فرض اینکه اینکار را میخواهند بکنند پای دولت را از بین بردارند و این را بدست بانک بگذارند دلیلی هم که می آوردند تا آن اندازه که بنده فهمیدم دو قسمت بود که این هم برای دولت ضرر دارد و هم برای مردم برای دولت از این جهت ضرر دارد که هر روز بانک يك اخطار بدوات میدهد که من لیره را در هشت تومان و هشت قران خریده ام و هشت تومان و شش قران فروخته ام و ده هزار دو قران بشما ضرر خورده است این را بگذارید بحساب دولت. یکی دیگر اینکه اسباب زحمت مردم میشود باین جهت که يك کسی که میخواهد برود پنجهزار ده هزار لیره از بانک بگيرد باید برود وزارت مالیه از آنجا برود جای دیگر و بالاخره سرو کار مردم با این رؤسای دوائر دولتی می افتد و بالاخره مردم را مستاصل میکنند و يك راه استفاده نامشروعی باز میشود از برای مأمورین دولت و بالاخره اگر دولت اهمیت ندهد که حتماً این اسعار خارجی بدولت فروخته

شود یعنی بيك محل مخصوصی بهتر است چون بقول خودتان کنترل و تفتیش اسعار را لازم نمیدانید پس این را واگذار کنید به بانک که يك شکلی بشود که تماس مردم با دولت و دولت با مردم کمتر بشود. ولی بنده خیال میکنم باین ترتیب این منظور تامین نشود آقایان خیال میکنند که در تمام چیزها باید مردم دست بگربان با دولت شوند در صورتیکه این اسباب زحمت دولت و مردم است. عرض کنم بنده موضوع دیگری که میخواستم از آقای وزیر مالیه و آقای وزیر عدلیه سؤال کنم راجع به نقره است بنده بادم می آید از اولی که بنده وکیل بوده ام تا حالا نقره بیست مرتبه ممنوع شده است و آزاد شده است (صحیح است) ما حقیقه به تنگ آمدیم و حقیقه نمیدانیم بالاخره تکلیفمان چیست. بنده از دوره ششم تا بحال می بینم ده مرتبه این نقره بالا و پائین رفته و گاهی ورودش ممنوع شده خروجش آزاد شده است. گاهی خروجش ممنوع شده ورودش آزاد شده است و بالاخره حالا بموجب این لایحه هم ورودش ممنوع است و هم خروجش و واقعاً این خیلی غریب است واقعاً بنده میخواهم بفهمم که این نقره فایده اش چیست؟ حالا بنده میدانم جوابی را که به بنده خواهند داد این است که در قسمت ورودش است و میگویند اگر نقره آزاد شد زیاد وارد میشود و حال جنس را پیدا میکند و ارزانی میشود. اصلاً خیال میکنند که اسعار خارجی فی حد ذاته قیمت دارد. اگر این نظریه را بگویند این مال آن اشخاصی است که پول را فی حد ذاته دوست دارند این غیر از آن کسی است که پول را برای رفع احتیاج میخواهد. ولی يك عده مردمان بخیلی هستند که آنها خود پول را دوست دارند اصلاً از قد و قواره پول خوششان می آید دولت هم از لفظ اسعار خارجی خوشش می آید و خیال میکند اسعار خارجی فی حد ذاته قیمت دارد و فایده دارد اسعار خارجی برای این است که وسیله ورود مال التجاره است. مخصوصاً بنده اینطور شنیدم که (نمیدانم صحیح است یا نیست) واحد پول را دولت در نظر داشت طلا

بکنند حالا هم در نظر دارد طلا بکنند ولی (کورتور) آن را میخواهد نقره قرار بدهید در اینصورت نقره يك فلز ذی قیمت مملکت شماست چه ضرر دارد وارد شود بلکه در اینجا نقض غرض است در لایحه شما نوشته اید نقره وارد نشود مگر بشکل زرگری اگر بشکل زرگری وارد شود بقیمت صنعتش بشما خواهد داد و اگر هم بشکل شمش وارد شود این خودش یک نوع مبادله است این را به بنده توضیح بدهید آخر این که نمیشود که هم ورودش ممنوع باشد و هم خروجش بالاخره یکی از اینها باشد یا ورودش خوب باشد خروجش بد یا خروجش خوب باشد و ورودش بد این نمیشود که هم ورودش بد باشد و هم خروجش **وزیر عدلیه**.. بنده خیلی تشکر از نماینده محترم که نظر به تقاضای بنده خلاصه صحبت کردند و آن نطقی را هم که ایراد کردند بطرز ضمنی و استدالات دولت را از برایش يك تشبیهی و مثلی قائل شدند و فرمودند حرفی نمیزنم و البته ممکن است این حرف را بنده برگردانم ولی اکثریت مجلس شورای ملی تا بحال حرفهای دولت را زودبهرفته منطقی دانسته و در اطرافش موافقت کردند حالا اگر جنابعالی مخالف بوده اید چه عرض کنم. میرویم در سر موضوع که فرمودید خوبست در این جا دلائلش را روشن کنند که آزاد است که آزاد نیست، بنده عرض میکنم که معامله و نرخ اسعار بموجب این لایحه اگر آقایان رأی بدهند همین اساساً آزاد است ولیکن راجع بتعهداتی که اشخاصی که جنس صادر کرده اند در این مورد بخصوص معامله اینها را دولت قرار گذشته است که از يك مجاری مخصوصی بشود برای اینکه بتوانیم آن کنترلی را که آقای بهش قائل نیستند و بعد درس صحبت خواهیم کرد آقای میفرمایند اینطور ممکن است که خریدار بکنفر باشد و بالاخره نرخ هم آزاد باشد اولاً در زندگانی ملاحظه کرده اید که دولت یعنی خزانه دار نمی آید اینجا يك کیش هائی معین کند و آنوقت خودش بخرد بالاخره به يك بانکهای اجازه میدهد مثل اینکه تا بحال هم اجازه

داده است البته خرید روی عرضه و تقاضا می رود اگر فروخت ما میخواهیم اعمال گذشته قچاق را يك کاری کنیم که تصفیه شده باشد و بگذرد اگر بر فرض آمدیم و بانک نخواست بفروشد صادر کننده و وارد کننده با هم تباخی خواهند کرد و بالاخره صورت مشروعی هم پیدا خواهد کرد او خواهد رفت در آنجا و او هم خواهد فروخت آنوقت نتیجه عمل این خواهد شد که بانک از آن عمل بانکی که میکند از آن منفعت خودش باز میماند بنا بر این اطمینان قطعی میتوان داشت که بانک وقتی که میخواهد بخرد (که نماینده دولت است در این کار) حساب این کار را میکند که این قیمتی را که بهش میگویند میفروشد یا آن قیمت خواهد بود که امروز مطابق این نرخ بهش نمیفروشند چون تجربه کردیم وقتی که يك نرخ آمد در آن نرخ برخلاف حقیقت خواست که از برای خودش جا باز کند خریدار ممکن است منتظر بماند که فروشنده پیدا شود پس بنا بر این بنده ادا جای نگرانی نمی بینم از برای این و در عین اینکه بانک یا بانکهای که از طرف دولت کار میکنند و نماینده دولت خواهد بود اطمینان میدهم که قطع داشته باشید که قیمتی را معین نخواهد کرد که بآن قیمت کسی نخرد لابد بقیمتی خواهند خرید که بتواند بآن قیمت بوارد کننده بفروشد حالا اگر وارد کننده واقعاً خریدار است و احتیاج دارد يك قیمتی را که بانک میگوید بهمان قیمت میخرند بانک هم بهمان قیمت خواهد خرید چرا برای اینکه اگر اینجا بانک بیاید و از شما که وارد کننده هستید نخرد همین شخص صادر کننده در خارج این کار را میکند و با تعهد کننده دیگری معامله میکند دیگر اینکه خیر وارد کننده احتیاج ندارد و باین دلیل است که بانک نرخ را پائین میآورد حقیقتاً در خارج هم نمیتواند آن را بفروشد پس بانک مجبور است بانکی که نماینده دولت است مجبور است که حساب نرخ بازار را درست کند (دستی - بازاری نیست) میفرمایند بازار نیست بنده بشما بازار نشان میدهم (دستی - بازار مشروع نیست) همان بازار مشروعی را برای



اینکه همانطوریکه قبلاً هم در فراکسیون باهم مذاکره کردیم مسائل اسعاری و عایدات اسعاری منحصر باین نیست که از راه صادرات و آن چیزی که در سرحد منوع شده است بنده باز عرض میکنم و تکرار میکنم که صادرات را در سرحد قیمت میکنند یک میزان معینی که تا سرحد تمام شده است البته تاجرش که این مال را میبرد بخارج در نقاط دیگر میفرودد برای منفعت این کار را میکند اگر بنا باشد ضرر کند که این کار را نخواهد کرد پس همیشه یک فاصله یک حاشیه بین آن قیمت سرحد با قیمتی که واقعاً در خارج پیدا کرده است در جنس پیدا میشود و یک میزان اسعار بیشتری بدست میآورد اگر شما فرض بفرمائید در عالم فرض ( اگر آقایان گوش بدهند که بعد دو مرتبه همین مسائل از سر گرفته نشود ) فرض بفرمائید که قیمت جنس را در اینجا که معین کردند مثلاً صد لیره حساب کرده است و پنج درصد بخواهد فایده ببرد بالظبیعة انجا اضافه بدستش خواهد آمد و این را در خصوص تمام صادرات مملکتی حساب کنید البته این یک مبلغ قابل ملاحظه خواهد بود پس این یک مبلغی است که ازادش بطور تام و تمام است یعنی هم واسطه اش را ما ازاد گذارده ایم که در بازار بفرروشند بدلال بفرروشند یا بیاتک بفرروشند بهر کس که بخواهد بفروشد این خودش یک مبلغ قابل اعتنائی است همینطور اشخاصی که در خارج از برایشان یک حقوقی یک عایداتی میرسد ولو اینکه مبلغش قابل ملاحظه نباشد ولی اینها دید موقع حساب حساب شود و همینطور یک تجارتخانهها و شرکتها که مجبورند از خارج یک پولهایی را بیاورند و خرج کنند آنها را هم اگر حساب کنید پس یک مبلغی اسعار پیدا میشود که این اسعار در برابر ازادانه فروخته میشود و یک نرخی هم که ازادانه روی عرضه و تقاضاست بازار عثمینی دارد نه بازار قاجاق بازار عثمینی بزرگتر است که نرخش را هر کس بتواند تحقیق کند وقتی که اینطور شد بانک هم میتواند تحقیق کند و مظنه را در نظر بگیرد مثل اینکه تا بحال تجربه

شده است البته آن جا یک قیمتی را در نظر خواهند گرفت که منظور شما تامین میشود بنده از این نقطه نظر هیچ اشکالی نمی بینم و اینکه میفرمایند که ازاد است خیال میکنم که باین نحو باشد اسعار ازاد است اسعاری که معادل است با صادرات تقویم شده در سرحد حالا هم اینکه میفرمایند فوائد تقمیش اسعار چیست بنده نمیخواهم که خیلی زیاد بحث کنم تا فوائد تقمیش اسعار را بطور کلی بگویم امروز میگوئیم فایده ندارد و دیگر احتیاجی بهش نداریم از برای تمهیدات مربوط بصادر کنندگان باشد ما این را معتقد نیستیم و حالا برای یک مدتی ولو اینکه یکسال هم نباشد ممکن است احتیاج نداشته باشیم ولی امروز ما عقیده نداریم که مانع صادرات صادر کنندگان را بترتیبی که صادر میکنند بعد دنباله این هم باشیم که به بینیم کجا فروخت فروخته اند یا فروخته اند و بعد آن مبلغی که از انجا در میآید بتولایم با احتیاجاتی که مردم دارند بزنیم و از برای این هم بنده تصور نمیکند که اشکالی باشد برای اینکه اساس مسئله در ابتدای امر همان روزی که بنده آمدم قانون انحصار تجارت را آوردم با بعضی از آقایان مذاکره میکردیم صحبت در سر چه بود اشکال بزرگ سر نرخ بود ولی امروز که شما نرخ را ازاد گذاشتید بعد از این دیگر اشکالی باقی نمی ماند برایتان راجع به قسمت اینکه فرمودند مسائل اقتصادی را نمی شود در تحت ازاد در آورد البته اقا در موارد لازم باید تحت قواعدی در آورد اقا مسائل اقتصادی هم مثل سایر مسائل است مگر مسائل اجتماعی را میشود در تحت ازاد بنده و جنابعالی در آورد؟ این همه در مملکت قوانین وضع میکنند برای چیست گمرک برای چه جلوگیری میکند از برای مال التجاره ها اینها مسائل اقتصادی است البته اشخاصی هستند در دنیا که از برای هر قاعده که وضع میشود حتی الامکان سعی میکنند که بیک ترتیبی خودشان را کنار بکشند و فرار کنند ولی قوانین جلویش را میگیرد البته بنده نمیگویم هیچکس هم این حرف را نزده است که میشود با یک مجموعه قوانین کلیه مطالب و مسائل اقتصادی را در تحت اختیار در بیاورند و هر طور دلشان بخواهد بخرند

و انوقت قانون انحصار تجارت را هم باید بیندازیم دور برای اینکه مسائل اقتصادی است هر چه میخواهند صادر کنند و هر چه هم میخواهند وارد کنند و بنشینیم نگاه کنیم و بگوئیم خدا بزرگ است در مسئله که آخر فرمودند که اگر دولت این عقیده را داشته باشد و این کار را بخواهند بهمین ترتیبی که نوشته شده است انجام بدهند یعنی تمهیدات صادر کنند باقی بماند بنده بدون اینکه بخواهم توضیحات زیادی بدهم تصور میکنم مقصود آقا در عمل این نباشد عرض میکنم خودش که نمی رود البته برای اینکه جلو گیری از ضرر دولت بکند یک روزی بانک میآید بخرد البته اینها را یک فکری برایش خواهیم کرد که دولت در انجا یک تمهیداتی را پیدا کند واسطه عملش است فقط تقمیش کرده است و البته نکته را که فرمودند قابل ملاحظه است و گمان نمیکند جای نگرانی هم باشد و یک چیز دیگر فرمودید که بوارد کنند چون نوشته آید که در درجه اول عایدات حاصله از صادرات بوارد کنند ها داده میشود بهترین بود که نوشته شود بوارد کنند ها جواز و داد داده شود همینطور هم خواهد بود و این هم همین است حالا هم همینطور است نه اینکه اجازه هی مخصوصی باشد در تحت یک قواعد و نظامانی باید معین شود که کانتی که جواز دارند به تقمیش رجوع میکنند که با آنها اسعار فروخته شود راجع به قسمت نقره که شاهکار نطق و صحبت آقا بود و از آن قسمت اخیرش را گرفتند که بکمر تبه نقره را جلویش را باز گذارند و بکمر تبه ولی کردید حالا دو مرتبه آمده آید از دو طرف جلویش را گرفته آید و نمیگذارید بیاید ما باندازه که احتیاج داریم حساب میکنیم یک روز احتیاج پیدا شد که قیمت نقره فرضاً یک وضعیتی در آید که ما بهتر دانستیم که امروز باید بر ذخیره نقره مان ببنوازیم یک روزی دیدیم که خیر حالا مصلحت نیست جلویش را میگیریم و برای همین است که دولت این اجازه را گرفته است که هر روز دولت نیاید بمجلس و آقا هم قضیه را دست بیندازند .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

**رئیس** - آقایانیکه با ورود در شور مواد موافقت قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود .

ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون معامله و نرخ اسعار خارجی ازاد است ولی دولت میتواند در موقع ضرورت برای تقمیش و تعیین نرخ اسعار مزبور مقرراتی را که لازم بداند برقرار نماید

( در اینموقع بعضی از نمایندگان از مجلس خارج میشدند )

**رئیس** - آقایان تأمل کنند . اگر رفقاً اینطور بیرون بروند کار تمام نمیشود مجلس از اکثریت خارج میشود و ناچاریم جلسه را ختم کنیم بنابراین آقایان این قسمت را رعایت بفرمائید . آقای فهیمی .

**فهیمی** - البته آقایان هیئت دولت که این لایحه را به مجلس می آورند مدتی تحت مطالعه قرار داده اند و اطراف مذاکرات و نکات را که در لایحه ذکر شده است ملاحظه فرموده اند بنابر این اگر از طرف آقایان نمایندگان که فقط دو سه ساعت بیشتر نیست این لایحه را دیده اند یک مذاکراتی میشود برای کشف مطلب است بطوریکه اینجا مکرر مذاکره شد در این لایحه یک قسمتهائی بنظر متناقض میآید مثلاً در مقدمه یک جا ذکر میکنند که بواسطه بهبودی وضعیت تجارت مثلاً اسعار که برای قیمت واردات لازم میشود خیلی بهتر شده است بعد در ذیل همان مطلب ذکر میشود تهیه اسعار برای غیر تجارت خیلی مشکل شده است در صورتیکه اسعار در هر صورت توازن صادر و وارد باید پیدا کند همینطور در ماده اول در قسمت اول ماده اسعار را ازاد میگذارد و در قسمت آخر مقید میکنند پس در حقیقت این قید قانونی برداشته شده است و باختیار دولت گذاشته شده است و صورت الزامی ندارد در ماده آخر هم که تمهیدات اسعاری را کافی السابق باقی میگذارید اگر واقعاً صادرات بقدری زیاد شده است که اسعار کفایت میکند از برای تجارت ورودی پس دیگر این قیود برای چیست؟ آقایان البته در جراند



ملاحظه فرموده‌اند که مینویسند در این چند ماه هشت نه ملیون بر صادرات ما در بازار اضافه شده اگر حقیقت دارد این مبلغ باید یا پول نقد یا اسعار خارجی در مملکت موجود باشد و اگر حقیقتاً ده ملیون اسعار علاوه بر صادرات در مملکت وجود دارد باید بکلی آزاد گذاشت تا هر کس می‌خواهد بخرد بخرد اما کجاست این اسعار این عمارا تصدیق بفرمائید که صوری است و حقیقت ندارد مطالب این است که يك اشخاصی برای اینکه جواز ورود بتوانند بگیرند يك اجناسی را قیمت‌های گزافی معین می‌کنند يك تصدیق صدوری می‌گیرند که اول تصدیق صدور را در بازار بفروشند بعد آن اشخاص همینقدر که تصدیق را در دستشان است آنرا در بورس سیاه تحصیل می‌کنند و می‌فروشند آنوقت غالب اینها اجناس را باسم صادرات می‌فروشند ولی در مقابل نمی‌آورند و نمی‌آید و اگر اینها قسمت از اینها را محدود می‌کردند باید که تصدیق را به مملکت خارج را بیاورند نشان بدهند آنوقت معلوم می‌شد که اینها هست یا نه پس حالا در این قانون چه چیزی خواهد شد؟ آن قبل اولی از این می‌رود یعنی در این تصدیق خواهد بود که باید و يك صادراتی بیاورد ولی باید صوری باشد بیاورد نشان دهند و مسئله‌ها می‌رود در بورس سیاه می‌گیرند مخصوصاً مؤسسات خارجی فوق‌العاده استفاده خواهند کرد وقتی آزاد شد هر کس می‌داند بفروشد و اینها هم می‌توانند بیاورند بگیرند بنده آنجا مشاهده کرده مطالعه کرده بنظر بنده هنوز به‌کفایت نرسیده است که اسعار را این ترتیب آزاد کنیم بلکه باید مقید کنید که کلیه صادر کنندگان اسعارشان را صادرات بفروشند و بعد اگر لازم دارند برون بخرد آنوقت معلوم می‌شد که این تفاوتی را که می‌گویند حقیقت است یا نه؟ فقط با تعهدات داشتن يك تصدیق صدور از هشتاد میلیون که سهل است ممکن است به هشتاد میلیون هم برسد این را هم اینجا عرض کنم که از حیث اسعار فوق‌العاده دولت در مضیقه می‌افتد میزان صادرات را هم که الان صوری

اشخاصی که صادر می‌کردند اینرا بنده درست ملتفت نشدم اینها تصدیق صدور می‌گرفتند می‌رفتند از بورس سیاه اسعار می‌خریدند؟ چه احتیاجی باین کار دارند؟ هیچکس در این مملکت این کار را نمی‌کرد. تصدیق صدور اگر در دستش باشد می‌رود از بانک نرخ رسمی می‌گیرد چرا دیگر برود از بازار سیاه و بورس سیاه با نرخ غیر رسمی و از راه قاچاق و نامشروع بخرد. اینجا چیزی نیست که ما مخفی کنیم ما اگر قانون اسعار را اینجا با کمال شدت بطوریکه لازمه بوده است می‌خواستیم اجرا کنیم که هیچ نفر و منفذی در او پیدا نشود باید البته خیلی بیشتر از این شدتی که تا حالا اجرا می‌شده است اجرا کنیم و البته بایستی متوسل می‌شدیم بقواء نظمی و قواء امنیه و قواء تقاضیه محرمانه و مخفی و بمراقبت شدید در اطراف و اکتاف بازار و آنوقت مرده زحمتشان خیلی بیشتر و چند مرتبه بیشتر از حالا می‌شد از آنطرف هم بنده تصدیق ندارم که دولت بستی بکلی ول می‌کرد و مسامحه می‌کرد و چشم می‌پوشید که بخدی برسد که تمام اسعار این مملکت غیر صادراتی و بطور محرمانه فروخته شود و فقط بعضی اسعار محدودی در بانک ها فروخته شود اما این اوضاع فراهم شده و درست شده است و حالا ما احتیاجی بآن چیزی که حکمت بوضع آن قانون تشبیه اسعار بآن سختی اقتضا می‌کرد نداریم. برای اینکه منظورمان چه است؟ منظورمان این است که آن مالی که از این مملکت خارج می‌شود بنده مخصوصاً این را می‌خواهم اینجا عرض کنم برای اینکه بعضی اوقات دیده شده است یعنی از طفولیت همینطور ما شنیده ایم که می‌گویند اگر مملکت صادرات داشته باشد بهتر است یعنی هر چه بیرون برود بهتر است و بیاید بدتر است. این اشتباه عمومی است یعنی ظاهراً اینطور بنظر می‌رسد ولی این مطلب بایستی توضیح داده شود البته جرائد می‌نویسند و مکرر هم گفته می‌شود ولی اگر درست نگاه کنید آنچه که از مملکت می‌رود ضرر شماس است و آنچه که داخل می‌شود برفع شماس است. مثلاً اگر هر يك خانه مان شما يك اطاق داشته باشید و

مبلی در آنجا باشد یکی را که بیرون بدهید البته کم می‌شود و اگر یکی وارد کنید زیاد می‌شود پس این نباید در اذهان نقش به بندد که صادرات خیلی خوب است و واردات خیلی بد است این درست تقیض هم است یعنی صادرات خیلی بد است و واردات خیلی خوب است. ما که می‌گوئیم صادرات خوب است مقصود آن صادراتی است که واردات بیاورد. گفتند صادرات خوب است برای اینکه ببرند و بفروشند آنوقت یا پولش را بیاورند بمملکت یا اصلاً عوض مال بیاورند بمملکت. آنچه دارد قالی دارد پنبه دارد ببرد و بفروشد در مقابل اجناس طرف احتیاج مملکت را بیاورد. پس منظور عمده ما این بود که آنچه از این مملکت بیرون می‌رود آنرا وقتی که پول نقد کردند یا فروختند یا تبدیل کردند آن را در آنجا نگذارند و بوسائل و کارهای دیگر نزنند حتماً با عوضش چیز بخردند و باین مملکت بیاورند یا خود پول و اسعارش را بیاورند دو مرتبه باین مملکت و آن را بفروشند بدیگری که آهم دوباره چیز بخرد و بیاورد و بخریدن بیفتد ولی غیر از این صادرات معنی ندارد اما وقتی که این کار مطمئن شد و ترتیب این عمل بطور لازم داده شد یعنی وقتی که شما شرط کردید که هر کس مال از این مملکت می‌برد باید تعهد اسعاری بکند از آنطرف هم می‌گوئید یا اسعارش را باید بدهد بآن کسی که مال می‌خواهد بیاورد یا خودش باید عوض آن مال بیاورد خوب وقتی اینکار تمام شد و این کار تمام مصالح شما را حل کرد این جا گفته می‌شود که تقیض اسعار باقی است دیگر تقیض و کنترل اسعار را حالا ما می‌خواهیم باطل کنیم. ما قانون انحصار تجارت را باطل نمی‌کنیم ما که نمی‌نویسیم قانون انحصار تجارت ملغی می‌شود. خیر. آقایان کسیکه باید بفروشید یعنی تعهدات ناشیه از صادرات تجارتی و آن اسعاری که تعهد کرده است آن اسعار را باید بفروشد حتماً آن را باید بوازد کننده یا بيك کسی بدهد که آن کس دولت است که آنها را بکشد و دست نزنند و حق دست زدن هم نباید داشته باشد قانوناً او هم حق نکرانی نباید داشته باشد دولت هم يك دينار نباید حق داشته باشد از



اسعار صادراتی را برای ضروری ترین مصارف خودش یا غیر خودش مصرف کند برای اینکه واردات این مملکت جهش بزرگتر از صادراتش نشود و در مسائل صادرات چیزهای ضروری لازم برای این مملکت وارد شود و تعادل حاصل شود حالا این را در مقابل آن می گذرانیم منتهی یک فایده دیگر بشاگرد میرسد که از این ببعده تاجر مجبور نمیشود بیاتک بفروشد برای دولت بنرخ رسمی که ما وضع کرده بودیم و بقول معروف حقیقت خارجی نداشته است حالا ما میگوئیم بهر قیمت که در بازار است معامله شود گفته میشود که وقتی خریدار منحصر شد اینطور نیست حالا باز تکرار میکنم این مملکت صادراتی دارد که در مقابلش باید تمهد اسعاری بدهند و این اجناس صادره در بندر قیمت میشود و از همان رو تمهد اسعاریش گرفته میشود حالا این را میبرند و در خارج می فروشند بایک منفعتی (کثر اتفاق می افتد که ضرر بکنند غالباً نفع میبرند) و این منفعت راهر قدر هم اگر کم بگیرند صدی ده هم اگر بگیرند ممکن است ده بیست میلیون لیره صادرات داشته باشیم که در مقابل این لااقل یک میلیون نفع دارد و یک میلیون لیره می آید بواردات و کنترل آنها مشکل است برای اینکه آنچه را که منفعت می کنند از تفاوت قیمت بندر و قیمت فروش در خارج است که آن آزاد است و بهر کس و هر قیمت دلش می خواهد می فروشد پس ما می خواهیم اسعاری که غیر از مجرای صادرات تجارتی حاصل میشود او را آزاد بکنیم معاملتاش را هم آزاد کنیم نرخش را هم آزاد کنیم اسعار حاصله از صادرات تجارتی را هم نرخش را آزاد کنیم فقط باید مقید کنیم که او باید بدهد بیک کسی که مال وارد کند و چون ما مطمئن نیستیم که بقال وارد کننده میدهد یا نمیدهد این است که میگوئیم یا خودش وارد کند یا اینکه اسعارش را بما بدهد تا ما بآن کسی بدهیم که این واردات را می آورد و جنس وارد میکند این صورتهائی بود که کار پیدا میکرد حالا اگر یک ایراد هائی است که مثلاً یک باری روی بنار

مردم زیاد میشود و یک اشکالاتی پیدا شده و کار سخت تر میشود اینطورها نیست بلی فقط یک زحمت کوچکی شاید بیعضی ها وارد نشود اشخاصی که در خارجه یک کاری دارند برای محصلین یا اولادش مثلاً با یک چیزی بخواند برای مصرف شخصی خودش بخرد و مال التجاره نیست او باید بقیمت بیشتری بخرد ولی این در صورتی بود که تا حالا نرخ رسمی شما پیدا میکردید اگر نرخ رسمی شما پیدا میکردید ما می گفتیم که شما بخاطر آن محصلینی هم که شده نرخ رسمی را نگاه دارید ولی چون نرخ رسمی بحد کافی گیر نمی آید و خیلی کم است لهذا تقاضا میشود هم مردم در معامله آزاد میشوند و هم گیر می آید و هم باندازه معاملات تجارتی ما است و ما امیدواریم که زیادتر هم میشود و برخلاف عقیده آقای فیهیمی که فرمودند بعد از یکی دو ماه خواهید دید چه اشکالاتی پیش میاید بنده نمیدانم الان چه چیز هست که جلو این کمیابی را بگیرد همین یک اسمی گذاشته اید که حقیقت ندارد این جلوی کمیابی را بگیرد؟ اگر واقعاً همینطور دو ماه و سه ماه و پنجماه هم یک کمیابی پیدا شد که باز آن وقت بنده عرض میکنم در اثر این قانون نخواهد بود خود بخود یک کمیابی فوق العاده پیدا شده و در اثر این قانون نبوده آنوقت باید یک فکر دیگری برای آن کرد و باید نشست و دید آنچه از اسعار برای احتیاجات غیر تجارتی است از کجا میشود پیدا کرد ولی این قانون باز عرض میکنم و تکرار میکنم که هیچ اشکال جدیدی پیش نمیآورد جز اینکه قانون سابق را که در موقع فوق العاده و در مواقع شدت و زحمت ایجاد شده بود و برای موقع فوق العاده بود منسوخ میکنیم و برمیگردیم باوضاع عادی و این قانون وضعیت اسعار را بحالت طبیعی خودش بر میگردداند (صحیح است) عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**رئیس** - کافی است؟

نمایندگان - بلی کافی است

**رئیس** - پیشنهاد آقای دکتر طاهری قرائت میشود:

مقام منبع ریاست دامت عظمته  
پیشنهاد میکنم ماده اول در موقع رأی تجزیه شود اینطور که ماده اول تا کلمه (ولی) یک مرتبه رأی گرفته و از عبارت (ولی) تا آخر ماده یک مرتبه

**رئیس** - آقای امین التجار هم یک پیشنهادی کرده اند آنرا هم میخوانیم:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی  
بنده ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد مینمایم:

از تاریخ تصویب این قانون معامله و نرخ اسعار خارجی آزاد است ولی دولت مکلف است در صورت ضرورت مقررات لازمه را جمع به تقنین و نرخ اسعار به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. حاج میرزا حبیب الله امین

**رئیس** - پیشنهادی هم از آقای مؤید احمدی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای مؤید احمدی  
بنده پیشنهاد میکنم از ماده اول از جمله ولی دولت میتواند در موقع ضرورت ولی آخر ماده حذف شود

**رئیس** - پیشنهاد آقای طهرانچی هم قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طهرانچی  
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته این جانب پیشنهاد مینمایم قسمت اخیر ماده اول از جمله ولی دولت میتواند تا آخر حذف شود

**رئیس** - هر چه پیشنهاد از جهت مفاد مساوی است و جمله آخر ماده اول را حذف میدهند و تقاضای حذف می کنند

**امین** (حاج میرزا حبیب الله) - بنده تقاضای تبدیل کردم آقای

**وزیر عدلیه** - در تبدیلش موافقت می کنیم اگر سایر آقایان هم موافقت بفرمایند و اصلاحیه بکنند بهمین اندازه وقت هم تنگ است فرقی هم ندارد قانونی هم که آورده شده البته باز بسته است بنظر اکثریت مجلس شورای ملی ولی آن فورمولی که آقای امین التجار پیشنهاد

کرده اند اگر موافقت بفرمایند گمان میکنم بکلی رفع اشکال شود

**حاج میرزا حبیب الله امین** - در قانون نوشته اند پس از تاریخ اجرای این قانون بنده نوشتم از تاریخ تصویب این قانون برای اینکه از تاریخ اجرا بعقیده بنده چندان معنی ندارد

**وزیر عدلیه** - اینجا نوشته شده است پس از اجرا و البته اجراء قانون پس از تصویب آن است و فرقی نمی کند ولی ممکن است که اصلاح کنیم و بنویسیم از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود

**رئیس** - آقای طاهری موافقت؟

**دکتر طاهری** - بلی

**رئیس** - آقای طهرانچی حضور؟

**طهرانچی** - موافقم

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - بنده عرض دارم - مطابق قانون اصول مشروطیت تعطیل بردار نیست و خوشبختانه مجلس شورای ملی امروزه فرقی ندارد و همیشه دولت می تواند لایحه را لازم دارد بیازد عرض کنم که بنده که پیشنهاد حذف این جمله اخیر را کرده نظرم این بود که چون می باشد حمد لله این اصل صحت از قانون اساسی تحت توجهت علیحضرت همایونی چند دوره است که اجرا شده است یعنی اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست (صحیح است) و ما اگر یک فقرت هائی داشتیم در دوره های سابق بوده است که بین هر مجلسی سه سال چهارسال فاصله میشد لکن حالا الحمد لله این فقرتها را ما دیگر نداریم (صحیح است) و این عبارت یاد من آورد قویتری را که در مجلس سوم تصویب میشد که این عبارت را می گذاشتند برای آن برای اینکه می گفتند یک فاصله هائی اتفاق می افتد بین مجلس اما حالا بنده عرض میکنم مجلس شورای ملی همیشه باز و دائر است هر وقت یک مقرراتی لازم دید که وضع شود بیآوردید بمجلس تصویب میکند تغییر میدهد پس چرا ما یک اختیاری بدهیم





بدولت که يك مقرراتی هر چه و هر جور دلش میخواهد وضع کند آنوقت بدتر از همه متوجه ماده سوم بشوید که مامجازات معین میکنیم برای يك کاری که هنوز نمیدانیم چیست؟ بنده عبارت ماده سوم را میخواهم ملاحظه بفرمائید چون مقررات که معلوم نیست اجازه میدهم که دولت يك مقرراتی وضع کند و در ماده چهارم مینویسیم (متخلفین از ماده ۲ و مقرراتی که دولت بموجب ماده يك وضع نماید مجرم و شرکاء و معاونین الی آخر) در حالتی که ما نمیدانیم دولت چه چیز وضع میکند آنوقت برایش جرم محسوب نداریم این بنظر بنده چیز خوبی نیست از این جهت بنده پیشنهاد کردم که اصلاً این جمله حذف شود و هر وقت دولت هر مقرراتی لازم داشت پیشنهاد کند بمجلس و مجلس شور میکند تصویب میکند.

**وزیر عدلیه** - بنده تصور نمیکنم این جمله خیلی محل مباحثه و فتح میشود. ما اینجا عوض اینکه حذف کنیم نوشتیم اگر دولت لازمه دانست مکلف است در صورت ضرورت بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند یعنی دولت اگر لازم دید مقرراتی جدیداً وضع کند باید بمجلس پیشنهاد کند و با این اصلاح و این ترتیب گمان میکنم رفع اشکال آقا بشود و آن قسمتی هم که در پیشنهاد آقای امین التجار هست بنده گمان میکنم از تاریخ اجرا بهتر است برای اینکه در آخر ماده پنجم نوشته شده از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود و در این ماده اول مناسب تر این است نوشته شود از تاریخ اجرا تا آن ماده پنجم مناسب باشد و البته این تعبیری هم که در ماده اول قانون پیدا میشود در ماده چهارم هم باید تغییر داده شود که آن مقرراتی را که دولت وضع میکند باید بمجلس بیاورد.

**مؤید احمدی** - عرش میکنم که در صورتیکه ماده چهارم را هم همینطور که فرمودند اصلاح کنند بنده با پیشنهاد آقای امین موافقت میکنم.

**وزیر عدلیه** - بلی بلی

**مؤید احمدی** - بسیار خوب

**رئیس** - خوب توافق پیدا شد، پیشنهاد آقای حاجی امین التجار با اصلاح کلمه پس از اجرا آقایانی که با ماده بوضعی که اصلاح شد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

**رئیس** - تصویب شد. بنده يك مطلبی رافراش کردم حالا یاد آوری میکنم ما بمانه رأی گرفتیم در حالتی که بعضی از پیشنهادها را قرائت نکردیم (نصری - مسترد میداریم آقا) یکیش را آقای وهاب زاده و یکیش را آقای کازرونی پیشنهاد کرده بودند ولی مال آقای کازرونی تقریباً تا همین و اصلاح شده اما آقای وهاب زاده ممکن است این را در ماده دیگر پیشنهاد بفرمایند (صحیح است) ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - الزامات اسعاری صادر کنندگان بطوریکه در ماده ۱۳ متمم قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ مقرر است کماکان باقی بوده و اسعار حاصله از این طریق را دولت در حساب مخصوص نگاهداشته و در مرحله اول بداندگان جوازهای ورودی که باعتبار تصدیق نامه های صدور تحویل شده است و برای تصدیق نامه های مزبور تعهد اسعاری اخذ شده باشد تخصیص خواهد داد.

**رئیس** - آقای کازرونی

**کازرونی** - بنده مخالفتی ندارم آقای وزیر هم مکرر توضیح دادند که در خصوص نرخ این اسعاری که دولت از مردم در مقابل تعهداتشان میگیرد کاملاً آزاد است و نرخ عادلانه است و همین دلیل بنده يك پیشنهادی داده ام که در ذیل ماده يك تبصره اضافه شود برای اینکه فردا در موقع اجرا اسباب اختلاف و سوء تعبیر نشود البته خودشان هم قبول می کنند.

**وزیر عدلیه** - تبصره را که پیشنهاد کرده اند قرائت

شود تا به بینیم چیست؟

**رئیس** - قرائت میشود:

تبصره ذیل را به ماده دوم پیشنهاد میکنم: اسعار حاصله از الزامات از ماده دوم را از دولت بوسیله بانکهای

مختار بقیمت خرید و فروش عادلانه در بازار خرید و خواهد فروخت.

بعضی از نمایندگان - مسترد میدارند.

**کازرونی** - بگذارید توضیح بدهند.

**وزیر مالیه** - اینرا پیش تر هم فرمودند عرض کردم این معلوم است و بدیهی است و هیچ قبلی نمیخواهد ما در ماده اول گفتیم که نرخ معامله همه جا آزاد است اینجا هم در معامله نرخ اسعاری را آزاد کرده است و البته آن شرحی را که نوشته اند يك ماده از قانون انحصار تجارت است اینهم هست در جری خودش و همین طور که بنده در اینجا توضیح میدادم اسعاری آقای کازرونی هم همین قناعت بفرمایند و البته نرخ همان نرخ آزاد است (صحیح است)

چند نفر از نمایندگان - مسترد داشتند.

**کازرونی** - با این توضیحی که دادند بنده مقصودم

حاصل و تأمین است و مسترد میکنم.

**رئیس** - پیشنهاد آقای وهاب زاده:

بنده پیشنهاد مینمایم در ماده دوم نوشته شود: منحصرأ بداندگان جواز ورودی فروخته شود.

**وهاب زاده** - بنده در فرا کسیون هم اجازه خواستم متأسفانه به بنده اجازه ندادند در ماده اول هم پیشنهادی داشتم که قرائت میکنم نظر بنده این بود که در ماده اول نوشته شود که نرخ آزاد باشد ولی معاملات آن مثل سابق ممنوع باشد مگر بوسیله بانکهای مجاز اگر نظر ما این باشد که با قانون انحصار تجارت هیچ اسعاری پیدا نمیشود و فقط منحصرأ بانکها فروخته خواهد شد و آنها باشخصیکه جواز ورود دارند فروخته خواهد شد این کافی نیست اشخاص خیلی هستند که بوند دارند و اگر ما آزاد کنیم خرید و فروش بوند را در بازار بطور قطع و یقین خیلی اسعاری خارج از این مملکت خارج خواهد شد البته قانون انحصار خیلی سخته وارد نمی کند ولی تصدیق بفرمائید اسعاری هم که فروخته میشود و بالاخره از این جا صادر میشود این

بواردات مملکت خیلی صدمه می خورد و اسعار از این مملکت خارج میشود قانون نفتیش اسعار خارجی در موقع خودش خیلی خوب بود و امروز هم این آزادی بعقیده بنده خیلی خوب است ولی بشرطی که نفتیش اسعاری هیچ لغو نشود برای اینکه ثابت کرد عملاً ما که موقعی که قدغن بود و خرید و فروش اسعار آزاد نبود هر قدر می توانستند اشخاص از این مملکت اسعار خارج می کردند ولی با این ترتیب اگر ما بخواهیم اسعار را آزاد بگذاریم در بازار بکلی از این مملکت اسعار خارج خواهد شد بعقیده بنده اسعار فقط باید مطنه اش آزاد شود در این موضوع هم در اطاق تجارت چندین مرتبه سؤال و جواب و بحث شد تمام اعضاء اطاق تجارت هم موافق بودند با اینکه مطنه اسعار خارجی آزاد بشود ولی اگر اسعار خارجی آزاد باشد و خرید و فروش در بازار بالطبع بوند هائی در بازار پیدا میشود و بانکهای مجاز هم می خردند و اشخاصی هم که جواز ورودی دارند آنها هم می خردند اشخاصی هم هستند که بوند هائی دارند و حاضرند بمطنه روز در بازار بفروشند ولی سابق باشخاص متفرقه می فروختند ولی اگر حالا قرار بگذاریم بیانک های مجاز فقط يك بانک که کافی نیست بانکهای دیگر هم مجاز باشند اسعار خارجی را بمطنه بازار بخرند می روند آن اسعاری که از صادرات حاصل میشود آنها را منحصرأ بکسانی که جواز ورودی دارند بفروشند ولی اشخاص خارجی که از آنها میخواهند چنانچه سابقاً هم معمول بوده بنده صد پوند دویست پوند میخواستم بخرم چون قدغن بود میرفتم بیانک و يك کسی را پیدا میکردم که بوند داشته باشد و باید بیانک آنرا بفروشد و بانک را هم مقید میکردم که این بوند را بمن بدهد بانک هم در هر بوندی بکفران دهشاهی شش شاهی بتفاوت میگرفت و نمیداد ولی اگر حالا بکلی آزاد کنیم معامله خرید و فروش را در بازار خیلی صدمه بزرگی بمملکت بعقیده بنده دارد ولی آزادی مطنه خیلی فایده اش بیشتر است اولاً اینکه صادر کنندگان سابق مطنه فروش جنس خودشان را از روی جنس صدور





معین میگردند و این سکتۀ صادرات میزد ولی وقتیکه مظنه را آزاد بکنند و خرید و فروش را بانکهای مجاز بکنند البته يك خدمتی است بسعائر و صادرات مملکت و هم هیچ دیگر صدمه برای خروج اسعائر خارجی نخواهد بود این عقیده بنده است

**وزیر مالیه** - فرمایش ایشان آنچه بنده فهمیده عمده اش مربوط به این ماده نبود. ایشان پیشنهاد کردند که بهر درجه جواز ورودی فقط این اسعائر فروخته شود در صورتیکه در شان عقیده ندرت و عقیده داریم فقط بان اشخاصی که آن نرخ از جواز ورودی را دارند یعنی آنهایی که سابقاً در گرفتن آن در مقابل تعهد اسعائر میفرستادند و هم آنچه داده در حق استفاده از آن جواز و جواز را بکنند (یونس آقا - موافقم) نسبت به این پیشنهاد آن ماده در آن قسمت که راجع به ماده بود و در آنجا گفته شد که آن سهولت و آسودگی که حالا در آنجا مقرر نمیشود اگر بانکها بفروشند اولاً این سهولت همیشه در نرخ آزاد است و هر کسی میتواند آن سهولت را در دست کسی دیگر بگذرد و این سهولت در آنجا در دست آنها میشود و این سهولت در این نرخ آزاد است و در قانون فروش اسعائر در این مورد منع میباشد و اگر اینطور باشد از همان اولی که در آنجا پیدا خواهد شد و باز اشخاصی که در خارج از آن اسعائر خرید و فروش میکنند سهولت در آنجا در صورتیکه در این اسعائر قانوناً سهولت بدهند مگر در صورتیکه دولت تنظیمات در این اسعائر بدهد و مشکل میشود که این سهولت بشود و آن سهولت در صورت حاصل شود در دست دارد و مشکل می باشد که هرگاه از جواز عادی و طبیعی خارج کردن و سهولت در دست شدن و زحمت مرده شدن و او در مقابلش هیچ کوچکی هم باشد نباید کرد مگر فایده کلی برای مملکت داشته باشد

**رئیس** - آقای وهاب زاده پس میگیرید پیشنهاد خودتان را؟

**وهاب زاده** - (یونس آقا) خیر.

**رئیس** - برای اینکه این جا يك اشکالی برای ما پیش می آید (یونس آقا - چرا؟). تا من بفرمائید آقا. این پیشنهاد شما متناسب با فکر شما نبود زیرا آن را عنوان کردید که حرفتان را بزنید (یونس آقا - بلی) [خنده نمایندگان] حالا بر فرض اینکه بخصوص این پیشنهاد شما رای بگیریم شما چه استفاده خواهید برد؟ (صحیح است)

**یونس آقا وهاب زاده** - بنده در ماده دوم که پیشنهاد کردم و فقط منحصر آرا عرض کردم برای این بود که در ماده دوم لایحه مصرح است در مرحله اولی بان شخصی که جواز ورودی دارند با این توضیحی که آقای وزیر مالیه دادند بنده موافقم البته بنده عرض نمیکنم بان شخصی که جواز ورودی دارند و تعهد اسعاری ندادند با آنها هم فروخته شود خیر. البته این را بنده عقیده ندارم و همچو پیشنهادی هم نمیکنم فقط بان شخصی داده شود که جواز ورودی داشته باشند و تعهدات خود را از هر جهت کاملاً انجام داده باشند این پیشنهاد و مقصود بنده بود (عراقی) تا کنون در پیش نهاد کسی دو مرتبه حرف نکرده است) حالا اگر آقای وزیر مالیه فرمودند ما عقیده نداریم بنده هم موافقم با مقصود ایشان ولی با این آزادی که شما می دهید چه فایده دارد بحال شما (بعضی از نمایندگان - در پیش نهاد دو مرتبه صحبت نمی شود) اگر امروز يك کسی صد تومان اجناس از این مملکت صادر کند بدون اینکه تعهد صدوری بدهد (همه نمایندگان - برخلاف نظام نامه است) تعهد اسعاری بدهد با اجازه نخواهند داد برای اینکه جنس در مقابل این نباید با اسعارش را را بفروشند و با این ماده آقا اجازه داده میشود بهر کسی که هر قدر دلش می خواهد جنس وارد کنند و این برای مملکت فایده ندارد بنده می خواهم آقایان در این موضوع توضیح بدهند.

**وزیر عدلیه** - مطلبی که آقا فرمودند معنی این است

که ما باندازه باید صادرات داشته باشیم که واردات خودمان را تأمین کنیم و یک مقدار دیگر هم اضافه نمائید آنوقت يك اشخاصی می آیند و این پولها را بر می دارند و از این مملکت خارج میکنند عجباً ما که همچو وضعیتی را نداریم و تصور هم نمیکنم که اینطور بشود که يك اشخاصی بخواهند که سرمایه شان را بدهند و سرمایه دیگری پیدا کنند و ببرند اگر يك همچنین چیزی هم باشد که هم مجلس شورای ملی هست و هم ما هستیم (کازرونی - تعهدات) این راجع به تعهد نیست ایشان میگویند اساساً نرخ و مظنه را آزاد بگذارید این نظری است که با روح و اساس این لایحه مخالف است ما خیال کردیم نرخ را آزاد بگذاریم و معامله را هم آزاد بگذاریم بعلاوه من و شما آقا، چرا خودمان را گول میزنیم مگر در این مدتی که نرخ آزاد نبود تجار مملکت اشخاص حساسی این مملکت پولشان را کجا میبردند پس بنا بر این در چنین جایی چه ضرورت دارد که بگذاریم اشخاصی تقلب بکنند و گمان میکنم این لزومی نداشته باشد (صحیح است)

**رئیس** - آقایانی که پیشنهاد آقای وهاب زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیایی برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای بوشهری رسیده است قرائت میشود: پیشنهاد میکنم ماده دوم را بطریق ذیل نوشته شود:

ماده دوم - دولت اجازه خرید اسعائر خارجه را بطور آزاد بدانک هائی که صلاح بداند خواهد داد ولی اسعائر حاصله از صادرات فقط بدارندگان جواز ورود صادره از اداره تجارت فروخته خواهد شد و اسعاری که از طرق دیگر بدانک فروخته میشود در وهنۀ اول بولیای اطفال که در خارجه مشغول تحصیل هستند فروخته شده بقیه بطور آزاد از طرف بانک فروخته خواهد شد.

**رئیس** - آقای بوشهری (در محل خود) بعقیده بنده توهمات و تصورات ما کم کم.

(عده از نمایندگان - بلند تر نمیشویم)

**بوشهری** - (پشت کرسی خطاب) بعقیده بنده توهمات و تصورات ما کم کم داخل مرحله فائزتری دارد میشود يك وقت تصور می کنیم که اگر نرخ لیره یعنی معامله آزاد باشد بقدری درخواست خرید لیره تقاضا خواهد شد که قیمت را بالا خواهد برد يك وقت میگوئیم خیر همه فروشنده خواهند بود و خریدار پیدا نخواهد کرد در صورتیکه عملاً غیر از این است برای اینکه آن روزی که لیره آزاد باشد و لیره به نرخ معمولی دنیا فروخته شود عده زیادی از تجار هستند که به وعده میفروشند جنس را و مجبور نیست صبر بکنند بفروش برسند پولش نقد بشود بعد در بازار بطوریکه امروز بطور قاچاق معامله کنند تحویل بگیرد در صورتیکه همینقدر که آزاد شد تاجر بواسطه اطمینانی که در بانک دارد بیات ششماهه پنجماهه چهار ماهه میفروشد بدانک و اسعائر عایدش خواهد شد علاوه بر آن این اسعائر امروز بطور نقد و قاچاق در بازار فروخته خواهد شد و خریدار هم همیشه خواهد بود برای اینکه همینطوریکه آقای وزیر مالیه فرمودند حجم واردات ما بیش از صادرات ما است می رود از بانک هر يك دولیره میخورد که بعد بتواند بفروشد و نفع کند بهر حال بعضی از این مواد يك توضیختی دارد که خیلی توضیح واضح است و در بعضی مطالب که خیلی مشکل و مفصل و مبهم است توضیح کم داده شده است مثلاً در این ماده دوم نوشته شده است اسعائر حاصله از صادرات فقط بدارندگان ورودی که در برابر تصدیق صدوری که حاصل شده و بدارنده تجارتی داده شده. آقا اداره تجارت يك پروگرام معینی دارد جواز صدور را بکسی میدهد که تصدیق صدور را خریده باشد یا مال خودش یا مال دیگری این دیگر توضیح لازم ندارد ما امروز نمیخواهیم در قانون تجارت توضیحی بدهیم همینقدر باید بگوئیم بدارندگان جواز ورود داده میشود همین است دیگر آنوقت در مورد احتکار قاچاق و نقود خارجی و اسعائر خارجی که چه موقع میشود بهش گفت احتکار کرده است همینطور مجمل و مبهم گذاشته است



این پیشنهادی که بنده کردم از دو نقطه نظر است یکی اینکه تماس و دخالت دولت را در خرید و فروش اسعار کم میکند برای اینکه مقصود دولت حاصل است آقای وزیر مالیه فرمودند که از اسعاری که ما از صادرات بدست میآوریم اجازه نداریم يك دينار بغير از وارد کنندگان بفروشیم بسیار خوب همین را در قانون تصریح بفرمائید که در مقابل جواز ورود شما اسعار حاصله از صادرات را بدهید و اسعاری که غیر از صادرات گرفتید چون يك عده از آقایان نمایندگان توحشان راجع بمحصلین و اولادشان است که در اروپا مشغول تحصیل هستند این را بنویسید که اسعاری که غیر از طریق صادرات به بانک وارد شده در وهله اول باولایی اطفائی که در خارجه مشغول تحصیل هستند بتصدیق وزارت معارف داده شود و فروخته شود (صحیح است) نه اینکه از ادانه بهر کس میخواهند بفروشند و بنده تصور میکنم که اگر باین پیشنهاد بنده رای داده شود تمام منظور آقایان و دولت تأمین میشود و دولت هم از يك ضرر احتمالی معاف است بجهت اینکه وقتی که میگوئید بانک بحساب دولت بخرد البته بعد فرمودند خودمان با بانک يك قراری میکنیم که این مربوط بما نباشد در قانون اجازه میدهد که آنها را بانک بحساب خودش بگذارد و بانکها این را با کمال اطمینان قبول خواهند کرد دیگر ما چکار داریم که دولت بحساب خودش بگذارد و رفع و ضررش هم متوجه خودش باشد و یکی هم همینطور که استدعا کردم به يك بانک صادر بانک اجازه دادن کم است بجهت اینکه بعضی ارتجار هستند که در يك بانک حساب دارند و بعضی در بانک دیگر و اگر سه چهار بانک که دولت صلاح بداند اجازه بدهند انوقت بزودی اسعار خارجی پیدا خواهد شد و رفاهیت مردم حاصل میشود.

**دشتمی** - یکمرتبه دیگر قرائت شود.

**وزیر عدلیه** - بعد قرائت میشود. عرض کنم که بنده تصور میکنم که اگر آقای بوشهری مرحمتاً و لطفاً این پیشنهاد را موافقت بفرمایند که مسترد شود بهتر خواهد

بود اگر در این فرمول پیچی می بینند بدارندگان جواز ورودی داده خواهد شد که جواز آنها باعتبار تصدیق نامهای صدوری تحصیل شده است این اولاً از این نقطه نظر که فرمودید قضیه را خراب نمیکند راجع بان قسمت دیگر که میفرمایند عایدات دیگری که حاصل میشود این را فراموش نفرمایند که از يك طرف دولت این اسعار را نمی خرد ازاد است (بوشهری - بانك مبخرد) حالا اجازه بدهید بنده تصور میکنم که اگر آقایان يك نظری بسابق بیندازند و ببینند در آن موافقی که تنها دارنده این اسعار دولت بود بهر زحمتی میامد برای محصلین اسعار تهیه می کرد آنوقت میتواند اطمینان داشته باشند که اگر در آتیه يك مضیقه اسعاری برای محصلین پیدا شود دولت البته اقدام خواهد کرد که آن مضیقه را بر طرف کند بنده خواهش میکنم بگذارند ماده بهمین فرمولی که هست بگذرد

**رئیس** - آقایانی که پیشنهاد آقای بوشهری را . . . (دشتمی - قرائت شود بیستم چیست)

#### پیشنهاد آقای بوشهری

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم بطریق ذیل نوشته شود: دولت اجازه خرید اسعار خارجه را بطور آزاد به بانکهای که صلاح بداند خواهد داد ولی اسعار خاصه از صادرات فقط بدارندگان جواز ورود صادره از اداره تجارت فروخته خواهد شد و اسعاری که از طرق دیگر ببانك فروخته شده در وهله اول باولایی محصلینی که در خارجه مشغول تحصیل هستند فروخته شده مازاد آن بطور آزاد از طرف بانک فروخته خواهد شد.

**دشتمی** - بد نیست خوب است این پیشنهاد

**رئیس** - آقایانی که با این پیشنهاد موافقت دارند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای دشتمی رسیده است قرائت میشود:

#### پیشنهاد آقای دشتمی

بنده تبصره ذیل را به ماده دوم الحاق و پیشنهاد میکنم تبصره - در فروش اسعار غیر حاصله از فروش صادرات دولت مکلف است خرج تحصیل محصلین ایرانی را در خارجه مقدم بر سایر تقاضا کنندگان اسعاری خارجی قرار بدهد.

**رئیس** - آقای دشتمی

**دشتمی** - عرض کنم غالب آقایان رزرا وقتیکه پیشنهادی میشود خواهش میکنند آقایان مسترد دارند بنده هم میخواهم خواهش کنم که این پیشنهاد را قبول کنند که ضرری هم برای دولت ندارد (خنده نمایندگان) دلیلش هم این است که اغلات آقایان علاقمندند و مردم هم در خارج دچار زحمت هستند بنده خودم برادره جزو محصلین دولتی است و الان سه ماه است حقوق بهش نرسیده است حالا سایرین و دیگران وضعیتشان معلوم است چطور است. این قسمتی را هم که آقای بوشهری فرمودند که قطعاً تقاضا کنندگان اسعار خارجی زیاد خواهد بود و اسباب زحمت خواهد بود این که شبیه ندارد و اسباب زحمت میشود برای اینکه غالباً مردم حاضرند که يك نرخهای بیشتری را بخرند و مراجعه بدولت نکنند بنابراین غالب اسعاری که در بازار هست اینها میرود بمصرف مال التجاره و برای محصلین چیزی باقی نمیماند دولت هم از طرف دیگر همانطوریکه آقای وزیر مالیه فرمودند میخواهد اسعار خارجی که از فروش صادرات بدست آمده است این را مخصوص بصادرات بکند ما هم موافقت میکنیم فقط بنویسند از اسعاری که غیر از صادرات باشد این را در درجه اول تخصیص به محصلین بدهند و آقای وزیر مالیه هم البته تصدیق میفرمایند این را و بنده از ایشان خواهش میکنم که با این پیشنهاد موافقت فرمایند و تمام اولیای محصلین را از خودشان متشکر کنند. (صحیح است)

**وزیر مالیه** - بنده اول عرض کردم چون مطلب مطلب اختیاری است که باین معنی اگر بدست دولت بیاید

این را بنده عرض کردم که بهتر اینطور است یعنی تصور میکردم بهتر است اگر مقصود اسعار صادراتی است که نسبت بان مردم تعهد دارند ولی نسبت با اسعار غیر صادره که نیست و اشکالی پیش نمی آید راجع به محصلین حالا همینطور است دولت محصلین را در درجه اول مقدم داشته است بعضی اوقات هم احتیاجات خودش را در فرنگستان معطل گذارده است و آنها را راحت کرده است ولی نوشتن این در این جا درست نیست یعنی منفعت صحیحی ندارد برای اینکه خود دولت سعی خواهد کرد که در مواقع لازمه اسعار را در هر کجا که هست بخرد و برای محصلین تهیه کند که آنها در مضیقه نباشند ولی اگر اسعاری پیدا نشد انوقت چه خواهد کرد؟ و این اشکال با پیشنهاد جنابعالی بیشتر میشود و مقصودی حاصل نمیشود و این لایحه که الآن هست این را حل میکند برای اینکه محصلین دولتی هم بعضیهاشان اسعارش در متن بودجه منظور نشده است و بتمان می آورند ولی چون اسعار نبوده است خود دولت و حتی محصلین دولت هم در مضیقه بودند ولی حالا در این ازادی از این جهت بنده امیدوارم و مکرر هم عرض کردم و بعقیده بنده پیدا خواهد شد و همیشه که اینطور نخواهد بود از این جهت احتیاج پیدا نخواهیم کرد ولی اگر واقعاً پیدا نشد و کمیاب شد یعنی نه بدست دولت آمد نه بدست خود مردم باید دولت يك فکر اساسی دیگری بکند و این جائزه این نمیشود لهذا در این حال عقیده بنده این است که اگر موافقت بفرمایند و بهمین منوالی که در دست دولت هست قبول بفرمایند بهتر است (صحیح است)

**رئیس** - آخرین پیشنهاد در ماده ۲ قرائت میشود:

#### پیشنهاد آقای مخیر فرهمند

بنده پیشنهاد میکنم خرج تحصیل محصلینی را که وزارت خانه ها عهده دار هستند بترتیب سابق پرداخته شود

**رئیس** - آقای فرهمند

**فرهمند** - عرض بنده این بود که چون در اینجا ذکری نشده است و چون این لایحه تقریباً تماس دارد با



تعمداتی که وزارت خانه کرده اند با محصلین و تا کنون به بهای شش تومان میپردازند عرض بنده این بود که این ترتیب کافی السابق بر قرار باشد و همینقدر با توضیحی که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده مسترد میکنم.

**وزیر مالیه** - هیچ تگرانی لازم نیست داشته باشید همان طوری که دولت در سابق می داد و در بودجه خودش به بهای منظور کرده بود و اعتبارش را داشت میدهد و این قانون ابتدا تغییر بی حاصل آنها وارد نمی آورد و حتی بگویند هم میدادیم آن مثالی هم که آقای دشتی فرمودند آن را هم چون اسعار پیدا نمیشد حالا بر فرض اگر ده تومان هم باشد میگیریم و میخریم و غیرستیم دولت البته در مورد محصلین خودش مساوات مستقیم دارد و نگاهداری خود کرد (کافی است)

**رئیس** - رای میگیریم بماده دوه ایشان قانع شدند عدد از نمایندگان - پیشنهاد آقای دشتی چه شد؟

**رئیس** - ایشان هم معترض کردند دشتی تالی صحیح است.

**رئیس** - موافقین بماده دوه قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد ماده سوه قرائت میشود: ماده سوه - عملیات ذیل ممنوع است:

- ۱ - احتکار اسعار و تقوید خارجی.
- ۲ - صدور حلاله صورتی که باشد.
- ۳ - ورود کردن نقره خواص بشکل مسکوک خواه بشکل دیگر مستثنای شبهه نقره زرگری شده.
- ۴ - صدور نقره مسکوک یا شمش مگر با اجازه دولت.

**تبصره** - هر مسافر تا بیست نوبت حق صادر کردن نقره مسکوک را خواهد داشت.

**رئیس** - آقای دشتی بدین ماده صحبت کرده و آقای وزیر عدلیه نفهمیدم

چه جوابی دادند برای اینکه در این ماده هم صدور نقره ممنوع است و با هم ورود عرض کردم این معنی ندارد که هر دو باشد و دولت هر دو را ممنوع کند و اینجا گفتند که نقره بمنزله جنس است و آقای وزیر مالیه هم گفتند جنس وارد شود بد نیست واردات خوب است بنده واقعا نفهمیدم خواستم توضیح بدهند که چطور این قضیه هر دو قسمش بد میشود یعنی هم صدورش و هم ورودش.

**وزیر عدلیه** - بنده میتوانم با دو مثال از برای آف توضیح بدهم آقا ممکن است شما در منزلتان دو جور برنج داشته باشید از آن قسمت خوبش یک قسمت را میخواهید بدهید بکسی که هم بد دارد و هم کسر دارد و اگر بخواهید بر برنج خوب خودتان اضافه کنید احتیاجی نداشته باشید و زائد باشد خوب این چه عیب دارد و بکجا ضرر میزند؟ و اینجا بطور کلی یک اصلی نوشته شده است از برای اینکه موافق مقتضیات هم بشود اگر زیاد شد جلوش گرفته شود اگر زیاد شد خواستیم بخریم بتوانیم بخریم این قسمت در اختیار دولت باشد و دچار گرفتاری و محظوری نشویم و گمان نمیکنم اشکالی داشته باشد که آقای دشتی تگرانی داشته باشند (صحیح است)

عدد از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**کازرونی** - کافی نیست آقا

**رئیس** - پیشنهادی از آقای کازرونی رسیده است قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای کازرونی**

پیشنهاد میکنم قسمت دوم از ماده سوم (احتکار) حذف شود

**رئیس** - آقای کازرونی

**کازرونی** - بنده خواهش میکنم آقای وزیر مالیه مصادق این احتکار را در خارج درست توضیح بدهند (ثقه لاسلامی - دادند آن کافی است دیگر) برای شما کافی است ولی برای من کافی نیست استدعا دارم اقا قدری عصبانیتان را کنار بگذارید عرض کنم مصادقش را در خارج نشان بدهید

ما یک مال التجاره صادر میکنیم و در مقابلش هم یک تعهداتی بگمراک داده میشود که یا در مقابلش مال التجاره وارد کنیم و الا به بانکهای مجاز یعنی بدوات بفروشیم و این یک قانونی دارد علیحده و یک سیری دارد جدا گانه این را کلمه احتکار برش اطلاق کردن که مورد ندارد یعنی اگر برطبق تعهداتش عمل نکرد متکلفش میگویند اگر غیر از این است شاید بفرمایند مال التجاره که بخارج فرستاده شده است مثلا صدی پنج شاید نفع کنند انرا هم که توضیح دادند که باختیای خودش است و جزء احتکار محسوب نیست از این هم که گذشتیم شاید یک کسی یک بولی در خارج در بانکها داشت و از فائده آن امرار معاش میکرده است این را هم که احتکار نمیدانید پس بفرمائید این احتکاری که در این جا وارد کرده اید چیست من هر چه فکر میکنم نمیدانم معنی این احتکار چیست این است که پیشنهاد حذف آنرا کردم.

**وزیر مالیه** - از آقای کازرونی سؤال میکنم آیا احتکاری هست در این مملکت که شرعا عرفا ممنوع باشد یا نه؟ (کازرونی - هست آقا) خوب بفرمائید قواعد او چه است؟ احتکار را نمیشود یک قواعد و مواردی مخصوص برایش گذاشت که آنرا تشریح کنند تا هر قاضی در موقع صدور حکم بفهمد این احتکار هست یا نیست. احتکار معنایش روی خودش است. احتکار این است که یک چیزی که محل احتیاج عمومی است در خارج کمیاب است یک کسی آنرا نگاهدارد و نفروشد و قیمت آنرا بالا ببرد این معنی احتکار است (صحیح است) در هر صورت دولت در هر مملکتی اختیار و قدرت مطلق باید داشته باشد برای اینکه این نوع احتکار را که باعث زحمت عامه مردم است چه زغال باشد چه اسعار خارجی جلوگیری کند (بعضی از نمایندگان - کافی است)

**رئیس** - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند

**رئیس** - تصویب شد ماده چهارم قرائت میشود: ماده چهارم - متخلفین از ماده ۴ و مقرراتی که دولت

بموجب ماده يك وضع نماید (مجرم و شرکاء و معاونین) بطور تضامنی معادل دو برابر مبلغی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده بتأدیه جرمه محکوم خواهند شد این امر مانع نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متخلف بمجازات های معین در آن قوانین نیز محکوم گردد.

**تبصره** - بکشفین تخلفات از این قانون سی در صد از جرائم مأخوذه پرداخته خواهد شد

**رئیس** - پیشنهادی از آقای مؤید احمدی رسیده است قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای مؤید احمدی**

بنده پیشنهاد میکنم از ماده چهار و مقرراتی که دولت بموجب ماده ۱ وضع نماید حذف شود.

**وزیر عدلیه** - اجازه میفرمائید؟

**رئیس** - بفرمائید

**وزیر عدلیه** - بنا بر پیشنهادی که آقای مؤید احمدی فرمودند بنده قبلا موافقت کردم این قسمت (و مقرراتیکه دولت بعد وضع نماید) باید حذف شود.

**رئیس** - همینطور هم پیشنهاد کرده اند حالا رای میگیریم بماده چهار با حذف این قسمت. موافقین با ماده چهار با حذف این قسمت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - قانون نفتیش اسعار مصوب ۱۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ و قانون متمم آن مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۰۹ نسخ و این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجراء گذارده میشود.

**رئیس** - موافقین با ماده پنجم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد مذاکره در کلیات ثانی است. مخالفی نیست (خیر) موافقین با مجموع این قانون قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد



[ ۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر موافقت بنمائید...

وزیر عدلیه - بیخوابی استم تقاضا کنم که خبر کمیسیون

خارجی را جمع بکند نامه روس و ایران در جلسه بعد جزو

دستور گذاشته شود ( صحیح است )

رئیس - همینطور هم معصوم بودیم برای خاطر اینکه

کمیسیون نظر اجمالی کرده است و نظر تفصیلی هم در

طرف همین دو روز خواهد کرد و راپورت انرا تهیه

و تقدیم مینماید جلسه آینده روز پنجشنبه ۲۸ بهمن سه

ساعت قبل از ظهر ۰ دستور عهدنامه ایران و دولت شوروی

روسیه و لایحه دخانیات ( صحیح است )

( مجلس دو ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

# قانون

## راجع با آزادی معامله و نرخ اسعار خارجی

ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون معامله و نرخ اسعار خارجی آزاد است ولی دولت مکلف است در صورت

ضرورت مقررات لازمه را جمع به تشبیش و نرخ اسعار به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

ماده دوم - الزامات اسعاری صادر کنندگان بطوریکه در ماده سیزدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی مصوب

۲۰ اسفند ۱۳۰۹ مقرر است که آن بقی بوده و اسعار حاصله از این طریق را دولت در حساب مخصوص نگاه داشته

و در مرحله اول به دارندگان جواز های ورودی که باعتبار تصدیقنامه های صدوری تحصیل شده و برای تصدیقنامه های

مربور تعهد اسعاری اخذ شده شد تخصیص خواهد داد

ماده سوم - عملیات ذیل ممنوع است :

۱ - احتکار اسعار یا نقود خارجی

۲ - صدور طلا بهر صورتی که باشد

۳ - وارد کردن نقره خواه بشکل مسكوك خواه به اشكال دیگر باستثناء نقره زرگری شده مگر بر طبق اجازه دولت

۴ - صدور نقره مسكوك به شمش مگر با اجازه دولت

تبصره - هر مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن نقره مسكوك خواهد داشت

ماده چهارم - متخلفین از ماده ۳ ( مجرم و شرکاء و معاونین ) بطور تضامنی معادل دو برابر مبلغی که موضوع

عمل یا معامله ممنوع بوده بتأدیه جریمه محکوم خواهد شد این امر مانع نخواهد بود که اگر عمل یا معامله مشمول

قوانین جزائی دیگر بشود علاوه بر محکومیت فوق متخلف به مجازاتهای معین در آن قوانین نیز محکوم گردد

تبصره - بکاشفین تخلفات از این قانون سی درصد از جرائم مأخوذه پرداخته خواهد شد

ماده پنجم - قانون تقشیر اسعار مصوب ۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ و قانون متمم آن مصوب سی و یکم تیر ۱۳۰۹

نسخ و این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه بیست و چهارم بهمن ماه یک هزار و سیصد و ده شمسی بتصویب

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

مجلس شورای ملی رسید.